



طراحی مدل  
خط مشی گذاری فرهنگی  
در آموزش عالی

وحید خاشعی

سرشناسه: خاشعی، وحید، ۱۳۶۰-

عنوان و نام پدیدآور: طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی امولف وحید خاشعی.  
مشخصات نشر: تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۳۲۴ص: جدول

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۳-۳۶-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: سیاست فرهنگی - ایران - برنامه‌ریزی

موضوع: آموزش عالی - ایران

شماره افزوده: ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ط ۱۶ ج ۱۶۲۱/۵۴۸۶۲۱

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۹۲۴۲۹

## طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی

ناشر: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مولف: وحید خاشعی

ویراستار ادبی: حسن فرج‌نژاد

مدیر هنری: حسین براتی

صفحه‌آرایی: فهیمه سایر

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۵۳-۳۶-۳

این کتاب جهت استفاده مسئولان و فعالان فرهنگی دانشگاه‌ها  
و مؤسسات آموزش عالی کشور بوده و رایگان می‌باشد

## فهرست

|    |                                                   |
|----|---------------------------------------------------|
| ۱۲ | مقدمه                                             |
| ۱۴ | پیشگفتار مولف                                     |
| ۱۹ | فصل اول: درآمدی بر فرهنگ                          |
| ۲۰ | مقدمه                                             |
| ۲۱ | تقسیم‌بندی انواع تعاریف از فرهنگ                  |
| ۲۱ | الف - تعاریف تشریحی                               |
| ۲۱ | ب - تعاریف همجاری                                 |
| ۲۱ | ج - تعاریف تاریخی                                 |
| ۲۱ | د - تعاریفی روانشناختی                            |
| ۲۲ | ه - تعاریف تکوینی                                 |
| ۲۳ | برخی از تعاریف فرهنگ                              |
| ۲۵ | روش کشف                                           |
| ۲۶ | فرهنگ در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی              |
| ۲۶ | فرهنگ در نظریه‌ی ساختگرایان                       |
| ۲۹ | فرهنگ در نظریه‌های کارکردگرایی                    |
| ۳۰ | جایگاه فرهنگ در نظریه‌ی عام کنش                   |
| ۳۲ | فرهنگ در نظریه‌ی کنش متقابل نمادین                |
| ۳۳ | خطوط اصلی دیدگاه متقابل نمادی                     |
| ۳۶ | برداشت از جایگاه فرهنگ در نظریه کنش متقابل نمادین |

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
|    | نتیجه‌گیری و مروری کلی بر جایگاه فرهنگ      |
| ۳۷ | در نظریه‌های اصلی جامعه‌شناسان              |
| ۳۷ | الف - فرهنگ در نظریه‌های ساختگرا            |
| ۳۷ | ب - فرهنگ در نظریه‌های کارکردگرایی          |
| ۳۸ | ج - فرهنگ در نظریه‌ی عام کنش                |
| ۳۸ | د - فرهنگ در نظریه‌ی کنش متقابل نمادین      |
| ۳۸ | جمع‌بندی                                    |
| ۳۹ | عناصر و روابط درونی نظام فرهنگ              |
| ۴۱ | سطح‌بندی فرهنگ‌ها از دیدگاه شاین            |
| ۴۷ | جمع‌بندی: ویژگی‌های فرهنگ                   |
| ۴۹ | فصل دوم: درآمدی بر سیاستگذاری در حوزه فرهنگ |
| ۵۰ | مقدمه                                       |
| ۵۰ | دیدگاه‌های موجود درباره‌ی سیاست‌پذیری فرهنگ |
| ۵۱ | دیدگاه افلاطونی                             |
| ۵۲ | دیدگاه ارسطویی                              |
| ۵۲ | طرفداران اندیشه‌ی کنترل‌پذیری فرهنگ         |
| ۵۳ | الگوهای سیاستگذاری فرهنگی                   |
| ۵۴ | الگوی آرمان‌شهرگرا                          |
| ۵۷ | الگوی راهبردی                               |
| ۵۹ | الگوی توسعه‌گرا                             |
| ۶۱ | الگوی اصولگرا                               |





|    |                                                |
|----|------------------------------------------------|
| ۶۲ | الگوی دموکراتیک                                |
| ۶۲ | الگوی سیاستگذاری کلان‌نگر                      |
| ۶۴ | الگوی سیاستگذاری فرهنگی خردنگر                 |
| ۶۴ | الگوی سیاست فرهنگی سنتی (نخبه‌گرا)             |
| ۵۶ | الگوی تکثر و حقوق فرهنگی                       |
| ۶۹ | فصل سوم: درآمدی بر خط‌مشی‌گذاری عمومی          |
| ۷۰ | مقدمه                                          |
| ۷۰ | تعریف خط‌مشی عمومی                             |
| ۷۳ | خصوصیات عام در خط‌مشی‌های عمومی                |
| ۷۴ | انواع خط‌مشی‌های عمومی                         |
| ۷۶ | بررسی سبک‌ها و مدل‌های موجود خط‌مشی‌گذاری      |
| ۷۶ | تغییر طبیعی خط‌مشی‌ها                          |
| ۷۹ | مدل تعادل مقطعی و پارادایم‌گونه‌ی تغییر خط‌مشی |
| ۸۴ | بررسی چرخه‌ی خط‌مشی‌گذاری                      |
| ۸۴ | دستورگذاری                                     |
| ۸۵ | جبرگرایی اقتصادی و فناوری                      |
| ۸۶ | اثر متقابل سیاست و اقتصاد                      |
| ۸۷ | اندیشه‌ها و ایدئولوژی                          |
| ۸۹ | مدل ابداع بیرونی                               |
| ۸۹ | مدل بسیج عمومی                                 |
| ۸۹ | مدل ابداع درونی                                |

|     |                                                            |
|-----|------------------------------------------------------------|
| ۹۴  | نتیجه گیری                                                 |
| ۹۵  | شکل گیری خط مشی                                            |
| ۱۰۰ | نتیجه گیری                                                 |
| ۱۰۱ | مدل های تصمیم گیری                                         |
| ۱۰۳ | مدل های موجود خط مشی گذاری                                 |
| ۱۰۳ | مدل فرآیندی                                                |
| ۱۰۴ | مدل عقلانی: خط مشی به مثابه ی «حداکثر سود اجتماعی»         |
| ۱۰۶ | مدل سیستمی: خط مشی به عنوان بازده سیستم                    |
| ۱۰۷ | مدل رضایت بخش: بستن کردن به حد بهینه به جای حداکثر و حداقل |
|     | مدل جزئی - تدریجی: خط مشی به عنوان اعمال تغییرات           |
| ۱۰۸ | در فعالیتهای گذشته                                         |
| ۱۰۸ | مدل انتخاب عمومی                                           |
| ۱۰۹ | الگوی اقتضایی بخشی                                         |
| ۱۱۱ | مدل چندبعدی خط مشی گذاری                                   |
| ۱۱۳ | اجرای خط مشی                                               |
| ۱۱۳ | رویکرد «کنترل و فرماندهی»                                  |
| ۱۱۳ | رویکرد «محرك اقتصادى (یا بازار)»                           |
| ۱۱۴ | رویکرد اجرایی از بالا به پایین                             |
| ۱۱۵ | رویکرد اجرایی از پایین به بالا                             |
| ۱۱۶ | مدل ترکیبی                                                 |
| ۱۱۷ | انتخاب ابزار اجرای خط مشی                                  |



|     |                                            |
|-----|--------------------------------------------|
| ۱۲۰ | نتیجه‌گیری                                 |
| ۱۲۱ | ارزشیابی خط‌مشی                            |
| ۱۲۱ | انواع ارزشیابی خط‌مشی                      |
| ۱۲۱ | ارزشیابی اداری                             |
| ۱۲۲ | ارزشیابی قضایی                             |
| ۱۲۲ | ارزشیابی سیاسی                             |
| ۱۲۳ | ارزشیابی خط‌مشی به منظور تغییر خط‌مشی      |
| ۱۲۵ | نتیجه‌گیری                                 |
|     | توصیه‌ها و نکات کلیدی مورد تأکید دانشمندان |
| ۱۲۵ | در طراحی خط‌مشی‌های عمومی                  |
| ۱۲۶ | پرهیز از شیوه‌ی تحصیلی                     |
| ۱۲۶ | عقلانیت نامعقول عمل کردن                   |
| ۱۲۷ | توجه به اقتضایی بودن شیوه‌های خط‌مشی‌گذاری |
| ۱۲۸ | تأکید بر سیاست‌های اساسی جامعه             |
| ۱۲۸ | توجه به ارزش‌های جامعه                     |
| ۱۲۸ | نتیجه‌گیری                                 |
| ۱۳۳ | فصل چهارم مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی          |
| ۱۳۴ | مقدمه                                      |
| ۱۳۶ | الف) مؤلفه‌های فرهنگ                       |
| ۱۳۹ | ب) سطوح فرهنگ                              |
| ۱۳۹ | ۱) فرهنگ فراملی                            |
| ۱۴۴ | ۲) فرهنگ ملی                               |

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۱۴۵ | ۳) خرده فرهنگ‌ها                                 |
| ۱۵۱ | ج) نظام واره فرهنگ                               |
| ۱۵۱ | ۱- ضرورت استفاده از رویکرد سیستمی برای تحلیل     |
| ۱۵۲ | ۲- اجزاء و عناصر نظام واره فرهنگ                 |
| ۱۵۲ | الف) عوامل ورودی نظام فرهنگ                      |
| ۱۵۸ | ب) فرآیندهای نظام فرهنگ                          |
| ۱۷۷ | ج) خروجی‌ها و پیامدهای نظام فرهنگ                |
| ۱۷۸ | ۶- تعاملات فرهنگی                                |
| ۱۷۹ | الف) تعاملات مؤلفه‌های فرهنگ                     |
| ۱۷۹ | ب) ارتباط موجودیت‌های نظام فرهنگ با سایر نظام‌ها |
| ۱۸۲ | فرهنگ و نظام قانون گذاری                         |
| ۱۸۳ | فرهنگ و نظام برنامه ریزی و بودجه                 |
| ۱۸۵ | فرهنگ و نظام سیاسی                               |
| ۱۹۲ | انواع فرهنگ سیاسی                                |
| ۱۹۲ | فرهنگ و نظام فرهنگی سایر کشورها                  |
| ۱۹۷ | فرهنگ و نظام آموزش عالی                          |
| ۲۰۴ | فرهنگ و نظام آموزش عمومی                         |
| ۲۰۷ | فرهنگ و نظام اقتصادی                             |
| ۲۱۵ | فرهنگ و حوزه‌های علمیه                           |
| ۲۱۷ | فرهنگ و مردم                                     |
| ۲۲۱ | منابع و مأخذ                                     |







قدم نهادن به عرصه خطیر فرهنگی، بویژه در محیط های حساس و تاثیرگذار دانشگاهی، بدون شناخت مقتضیات و ملزومات آن، و بدون داشتن نقشه راه مشخص و دقیق، کاری پرهزینه و بی ثمر است. فعالیت فرهنگی در محیط های دانشگاهی یکی از پیچیده ترین و در عین حال با اهمیت ترین فعالیت های فرهنگی است. چرا که دانشگاهها دربرگیرنده خرده فرهنگ های متفاوت و گاه متضاد از تمام نقاط کشور است. همچنین اهمیت این موضوع وقتی چند برابر می شود که از یک سو کشورمان در حال توسعه سریع و چشمگیر در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی است که خود هوشیاری و روزآمدی فوق العاده ای را می طلبد و از سوی دیگر صف آراییی کشورهای غربی و برخی همدستان منطقه ای خود برای به زانو درآوردن نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در عرصه های گوناگون، بویژه در حوزه پیشرفت علمی و فرهنگی در محیط های دانشگاهی سبب شده تا پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، بویژه در سالهای اخیر که عمده تلاش دشمن برای ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از جبهه فرهنگی است، مدیران فرهنگی کشور تلاش فوق العاده ای را برای برنامه ریزی دقیق و پیاده سازی آن از خود به نمایش بگذارند.

بی تردید عزم راسخ مسئولان ارشد نظام و همراهی قشر دانشگاهی و فرهیخته کشور برای پیشبرد آرمان های بلند امام راحل که همان استقلال همه جانبه کشور بویژه استقلال فکری و فرهنگی از بیگانگان است، همیشه پابرجا بوده و هیچگاه با خیال خام بیگانگان برای

تسلیم در برابر آنان سست نخواهد شد، لیکن برای حرکت در مسیر صحیح و پیشگیری از هرگونه انحراف از صراط مستقیم به نقشه راه و برنامه دقیق و علمی نیاز فوری وجود دارد. آنچه در جهان امروز حایز ارزش است، مشخص کردن مسیر حرکت از روی علم و آگاهی و شناخت موانع و پستی و بلندی ها و از همه مهمتر آگاهی از توانمندی ها و نقاط ضعف خود و احاطه کامل به محیط پیرامون است که این مهم به دست نمی آید مگر با مطالعه و پژوهش دقیق علمی و بهره گیری از دانش موجود در مراکز علمی و دانشگاهی.

کتاب طراحی مدل خط مشی گذاری فرهنگی، که حاصل پژوهشی علمی و دقیق پیرامون اصول سیاست گذاری در حوزه فرهنگی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است، به عنوان منبعی مهم برای شناخت ساز و کارهای فعالیت فرهنگی در محیط های دانشگاهی به شمار می رود. کتاب حاضر که به همت دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با تلاش آقای دکتر وحید خاشعی تدوین شده است، پس از بحث و بررسی پیرامون فرهنگ و ساز و کارهای برنامه ریزی فرهنگی، به طراحی و ارائه چارچوبی برای خط مشی سیاست گذاری فرهنگی در محیط های دانشگاهی پرداخته است. دفتر برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از حمایت های معاونت محترم فرهنگی و اجتماعی، بویژه جناب آقای دکتر خواجه سروی و تلاش های همه دست اندرکاران این مجموعه، بخصوص جناب آقای دکتر خاشعی و همکاران دفتر که در آماده سازی این کتاب از هیچ کوششی دریغ نکردند، صمیمانه تشکر می کند.

امید است رؤسای محترم دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و مدیران فرهنگی با بهره گیری از مطالب ارزشمند این کتاب و منابعی از این دست بتوانند در راستای برنامه ریزی و اجرای برنامه های مناسب فرهنگی و اجتماعی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی توفیقات چشمگیری کسب نمایند دست اندرکاران این مجموعه را از پیشنهادها و آراء سازنده خود بهره مند سازند.

دفتر برنامه ریزی اجتماعی و فرهنگی  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

### پیشگفتار مولف:

استیونسون در کتابی به نام شهروندی فرهنگی، مقاله‌ای دارد به نام «سه گفتمان سیاست فرهنگی» که تحول در هر یک از این گفتمان‌ها معنا و مقصد متفاوتی دارد. آن سه گفتمان عبارتند از:

State discourse of cultural policy

Market discourse of cultural policy

Civic discourse of cultural policy

در گفتمان دولتی، فرض بر این است که همه چیز متمرکز است و دولت خود را مجاز می‌داند برای تحقق اهدافش وارد عرصه خصوصی شود و به نحو متمرکزی نهادهای هنری، مانند: حوزه‌ها و نهادهای تفریحی، مانند: پارک‌ها و سینماها و... تمام عرصه‌های فرهنگ را در اختیار داشته باشد و به طور متمرکز مدیریت کند. یعنی دولت به صورت متمرکز کل عرصه فرهنگ را در مدیریت و حیطه سیاست‌گذاری خود می‌داند. البته گفتمان‌های دولتی را می‌توان در یک طیف از حداقل تا حداکثر دخالت قرار داد. بنابراین شدت تمرکز و سلطه تاحدی است که سازمان‌ها و نهادها بتوانند قدرت دولت را محدود سازند. از نظر ایدئولوژیک دولت‌های متمرکز فرض را بر این می‌گیرند که کل فرهنگ را در اختیار خود دارند. اما در عمل این‌طور نیست، چون نیروهای اجتماعی و بخش‌های غیردولتی، در تعامل با دولت برای آن محدودیت ایجاد می‌کنند.

در حال حاضر در کشورهای اروپایی و غرب گفتمان دولتی، به معنای اقتدارگرا یا

حداکثری‌اش را نداریم، اما در عین حال در این کشورها سطحی از مداخله دولت در حوزه فرهنگ وجود دارد. آن سطح، شامل حفاظت و حراست از میراث فرهنگی و تاریخی کشورها و همچنین ایجاد خدمات، امکانات و زمینه‌ها برای مشارکت همگانی در تولید و مصرف فرهنگ است. به این معنا که در دولت‌های غربی مداخله دولت یک مداخله‌ی حداقلی است و بیشتر شامل فراهم کردن زمینه‌ها برای مشارکت در فرهنگ است، نه تعیین محتوای فرهنگ. در هر حال در غرب اساساً چیزی به نام گفتمان دولتی وجود ندارد. منظور از فرهنگ در این کشورها آموزش، دسترسی به اطلاعات، فراهم کردن رشد استعدادها و فراهم آوردن امکان تفریح و اوقات فراغت است. گفتمان دولتی بنیانش این بود که به دولت اجازه می‌داد بر فرهنگ، حکومت و مدیریت کند؛ فرض آن این بود که فرهنگ امری هدایت‌پذیر است و دولت در مقامی است که می‌تواند بر فرهنگ حکومت کند. تحول در این گفتمان، از طرف بالا به پایین و توسط حکومت به نحوی متمرکز توسط سیاست‌های تحولی دولت طراحی و برنامه‌ریزی می‌شد.

در گفتمان بازاری برخلاف قبلی، فرض بر این است که امر فرهنگی عین امر اقتصادی است. همان‌طور که در بازار، دولت نباید دخالت کند و قوانین عرضه و تقاضا، رقابت، و بازار تعیین‌کننده در مورد تولید، توزیع و میزان آن است. در عرصه فرهنگ هم تقاضای اجتماعی برای فرهنگ، محصولات فرهنگی و داد و ستدهای فرهنگی هست که تعیین‌کننده است. موسیقی، تئاتر، سینما، مطبوعات، تبلیغات، تمامی رسانه‌ها و تمامی کالاها و محصولات که با وجه نمادین جامعه سروکار دارند، با معیار پول قابل سنجش و اندازه‌گیری‌اند. در نتیجه مردم با بلیط‌هایی که می‌خرند، تعیین می‌کنند که چه چیزی را دوست دارند و چه چیزی را دوست ندارند. چرخه تولید، توزیع و مصرف نمادها را مردم انتخاب می‌کنند؛ در این جا بازار یعنی مردم. پس اگر دولت به هر شکلی دخالت کند در حوزه فرهنگ معنی‌اش این است که می‌خواهد تغییر در این بازار ایجاد کند. فرهنگ آن چیزی است که هست؛ اگر دولت بیايد در آن دخالت کند یعنی می‌خواهد فرهنگ را به چیز دیگری تبدیل کند که فرهنگ نیست. از این رو گفته می‌شود که اصلاً لازم نیست

دولت در عرصه فرهنگ دخالت کند یا سازمانی و تشکیلاتی برای برنامه‌ریزی در این زمینه داشته باشد. گفتمان بازار معتقد است اگر کالایی هست که گیشه ندارد، بنابراین محکوم به نابودی است. در این گفتمان تحول فرهنگی به دست بازار عرضه و تقاضای فرهنگی سپرده می‌شود و این بازار است که حدود و ثغور تحول را تعیین می‌کند و دولت تنها به عنوان یکی از بازیگران در کنار سایر بازیگران بازار نقش بازی می‌کند.

گفتمان سومی که «اسیتونسن» از آن نام می‌برد، گفتمان «جامعه مدنی» است، یعنی انواع سازمان‌های جامعه مدنی که از طریق آن‌ها کنش‌های فرهنگی شکل می‌گیرد و بسط پیدا می‌کند و باعث می‌شود که یک تعادل کنترل‌شده بین بخش‌های مختلف جامعه مدنی و دولت به وجود آید. بحث حقوق شهروندی، حقوق فرهنگی، صنعت فرهنگ و سایر مفاهیم مدرن در مقوله فرهنگ، با توجه به این گفتمان قابل تحلیل و تبیین می‌باشند. تحول فرهنگی در این گفتمان نیز معنا و مفهوم خود را دارد. در این گفتمان، تحول فرهنگی از گذر نهادهای مختلف جامعه مدنی قابل طرح می‌باشد.

به نظر می‌رسد سیاستگذاری فرهنگی در ایران تلائم و تقاطعی میان گفتمان اول و سوم است. لذا در این کتاب در فصل اول به مقوله فرهنگ و انواع تعاریف و ویژگی‌های هر کدام از تعاریف پرداختیم. فرهنگ را از منظر تعاریف تشریحی، تعاریف هنجاری، تعاریف تاریخی، تعاریف روان‌شناختی و تعاریف تکوینی به بحث نشستیم و سپس فرهنگ در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی از قبیل نظریه‌های ساخت‌گرا، نظریه‌های کارکردگرایی، نظریه‌ی عام کنش، نظریه‌ی کنش متقابل نمادین مطرح و دیدگاه منتخب، از رهگذر چنین مباحثی نتیجه گرفته شد.

در فصل دوم به بحث سیاستگذاری فرهنگی و الگوهای مطرح در آن از قبیل الگوی آرمان‌شهرگرا، الگوی راهبردی، الگوی توسعه‌گرا، الگوی اصول‌گرا، الگوی دموکراتیک، الگوی سیاستگذاری کلان‌نگر، الگوی سیاستگذاری فرهنگی خردنگر، الگوی سیاست فرهنگی سنتی (نخبه‌گرا)، الگوی تکثر و حقوق فرهنگی را به بحث و تشریح گذاشتیم و در رهگذر این الگوها، الگوی نمونه‌ای را انتخاب کردیم.

در فصل سوم به بحث خط‌مشی‌گذاری عمومی رسیدیم و انواع مدل‌ها، تئوری‌ها و فرایندهای خط‌مشی‌گذاری به طور اجمالی مورد بحث قرار گرفت.

در فصل چهارم به بحث اصلی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی پرداختیم و از آنجا که رویکرد راهبردی و سیستمی به طور همزمان در طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری فرهنگی لحاظ شده؛ لذا به بحث در خصوص مؤلفه‌های فرهنگ، سطوح فرهنگ (شامل فرهنگ فراملی، فرهنگ ملی، خرده فرهنگ‌ها) و نظام‌واره‌ی فرهنگ (شامل اجزاء و عناصر نظام‌واره فرهنگ به ترکیب عوامل ورودی نظام فرهنگ، فرآیندهای نظام فرهنگ، خروجی‌ها و پیامدهای نظام فرهنگ می‌باشد).

امید است کتاب حاضر که مدعی تلفیق سه حوزه علمی مدیریت راهبردی، نظریه سیستم‌ها و سیاست‌گذاری عمومی است بتواند به عنوان یک گامی مؤثر و جدید در حوزه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی باشد.

در انتهای این بخش بر خود لازم می‌دانم از حمایت‌های مادی و معنوی جناب آقای دکتر خواجه سروی معاونت محترم فرهنگی و اجتماعی و دکتر آدمی مدیر کل محترم دفتر برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دکتر چاوشی به عنوان ناظر محترم این کتاب کمال تشکر را داشته باشم و توفیقات این عزیزان را از خداوند متعال آرزومند باشم.